

واژگان درس دوم کتاب زبان دوازدهم – صفحه ۱

abbreviation	اختصار، خلاصه	be taken from	گرفته شده از	consider	مورد توجه قرار دادن
absent	غایب	behind	پشت ، عقب	contain	دارا بودن، در بر داشتن
access	دستیابی ، دسترسی	below	زیر، پایین	convert	تبدیل کرن
accident	حادثه، تصادف	bilingual	دو زبانه	cook	پختن ، آشپزی کردن
according to	مطابق با	biography	زندگی‌نامه	correct	درست ، صحیح
achieve	رسیدن، موفق شدن	bite	گاز گرفتن، نیش زدن	correctly	به درستی
action	عمل، اقدام	bodies of salt	منابع نمک	crops	محصولات کشاورزی
addiction	اعتیاد	bodies of water	منابع آب	crowded	پر جمعیت، شلوغ
advanced	پیشرفته	bold	درشت ، تیره	culture	فرهنگ
aid	کمک کردن، کمک	bored	کسِل	dangerous	خطرناک
allow	اجازه دادن	borrow	قرض کردن	database	مرکز داده ها
alphabetical order	به صورت الفبایی	break	شکستن، استراحت	decide	تصمیم گرفتن
although	اگرچه ، هرچند	building	ساختمان	design	طراحی کردن، طرح
ancient times	زمان های باستان	capital letter	حرف بزرگ	destroy	نابود کردن، از بین بردن
ant	مورچه	catch	گرفتن، رسیدن	details	جزئیات
anthill	مور تپه	cause	سبب شدن	device	دستگاه ، ابزار
antonym	متضاد	century	قرن	direct access	دسترسی مستقیم
appear	به نظر رسیدن، ظاهر شدن	choose	انتخاب کردن	directly	مستقیماً
arrange	مرتب کردن	circle	دایره، دایره کشیدن	disconnect	قطع کردن
arrangement	ترتیب ، نظم	claim	ادعا کردن	unsystematically	به طور غیر منظمی
art	هنر	clear	واضح ، صاف	disconnection	قطع، گسیختگی
astronaut	فضانورد	collect	جمع آوری کردن	drought	خشکی، خشکسالی
at least	حداقل	colony	گروه، دسته ، مستعمره	earn	به دست آوردن
at the beginning of	در آغاز	combination	ترکیب، ادغام	effect	اثر، تاثیر
attack	حمله کردن	commercial	تجاری، بازرگانی	effectively	به طور موثری
attractive	جذاب	communicative	ارتباطی	element	عنصر ، عامل
available	در دسترس	compare	مقایسه کردن	elementary	ابتدایی، مقدماتی
average	معدل ، متوسط	compile	جمع آوری کردن	endanger	به خطر انداختن
avoid	اجتناب کردن	complete	کامل کردن	enough	کافی
be familiar with	آشنا بودن با	complicated	پیچیده، سخت	enter	وارد شدن
be grouped together	با هم دسته بندی شدن	conditional sentence	جمله شرطی	entry	مدخل، ورودی، واژه
be surrounded by	احاطه شدن با	confusing	گیج کننده	essential	اساسی، اصلی
		connect	وصل شدن، مرتبط کردن	etc.(etcetera)	و غیره
		connection	ارتباط	even	حتی
				everywhere	هرجا

واژگان درس دوم کتاب زبان دوازدهم - صفحه ۲

exact	دقیق	huge	عظیم، بسیار بزرگ	look up	دنبال واژه گشتن
exclamation point	علامت تعجب	identify	شناسایی کردن	loss	ضرر، ازدست دادن
exist	وجود داشتن	imaginary	وهمی، تخیلی	louder	با صدای بلند تر
expand	گسترش دادن	imagination	تصور، تخیل	magnet	آهن ربا
explain	توضیح دادن	immediate	فوری، آنی	magnify	درشتنمایی کردن
explanation	توضیح	immediately	فوراً، بلافاصله	magnifying glass	ذره بین
expression	بیان، اصطلاح	in fact	به واقع، در حقیقت	mean	منظور داشتن، معنی دادن
far away from	خیلی دور از	include	شامل شدن	meaning	معنا، مفهوم
fat	چاق، چربی	incomprehensible	غیر قابل فهم	meet the needs	بر آوردن نیازها
figure out	فهمیدن، دریافتن	increasingly	به طور افزایشی	middle	وسط، میان
firefighter	آتش نشان	infection	عفونت، بیماری	minor	کمتر، فرعی
fix	تعمیر کردن	inner	درونی، داخلی	monolingual	تک زبانه
floor	کف زمین	insect	حشره	mostly	عمدتاً، اصلاً
for instance	به طور مثال	inside	درون، داخل	nearly	تقریباً
foreign	خارجی	instead of	به جای	neat	مرتب، تمیز
forest	جنگل	entire	همه، کل	next door	بغل، همسایه
format	چارچوب، قالب	intermediate	میان، متوسط	ocean	اقیانوس
free	آزاد، مجانی	international	بین المللی	offer	پیشنهاد کردن
fun	تفریح، سرگرمی	introduction	مقدمه	opinion	نظر، عقیده
general idea	ایده کلی	invisible	غیر قابل دیدن، نامرئی	opposite	متضاد، مخالف
generally	عموماً، کلاً	issue	مسئله، مورد	order	نظم، سفارش دادن
gift	کادو، هدیه	keep oneself to oneself	به تنهایی سر کردن، از دیگران دوری کردن	organize	سازماندهی کردن
go back	برگشتن	key point	نکته ی اصلی	origin	اصل، منشاء
goods	کالا	lake	دریاچه	originally	اصالتاً
guide	راهنمایی کردن، راهنما	land	زمین، خشکی	ostrich	شتر مرغ
guy	شخص، مرد، یارو	let's (let us)	بیایید	painful	دردناک
habit	عادت	letter	نامه، حرف الفبا	part	قسمت، بخش
hardworking	پرتلاش	level	سطح	part of speech	نوع کلمه
harmful	مضر	lie (lying, lay, lain)	دراز کشیدن	particular	خاص، مخصوص
have sth in common	دارای مشترکات بودن	lie (lying, lied, lied)	دروغ گفتن	passenger	مسافر
heavily	شدیداً	liquid	مایع	pattern	الگو، طرح
highlight	برجسته کردن، نشاندار کردن	look for	جستجو کردن	PC	رایانه شخصی
host	میزبان			period	نقطه، دوره ی زمانی
				phrase	عبارت
				plus	به علاوه

واژگان درس دوم کتاب زبان دوازدهم - صفحه ۳

pocket	جیب، جیبی	situation	موقعیت، وضعیت	throughout	همه، سراسر
poem	شعر	skill	مهارت	thus	بنابر این
poetry	شعر، ادب	skillful	ماهر	time machine	ماشین زمان
pollution	آلودگی	smart	هوشمند، زیرک	tiny	ریز، کوچک
prefix	پیشوند	snake	مار	tip	نکته
preposition	حرف اضافه	social	اجتماعی	topic sentence	جمله موضوع
present	حاضر، هدیه	sometimes	گاهی	translate	ترجمه کردن
primarily	ابتدائاً، عمدتاً	special	خاص	transmit	انتقال دادن
probably	احتمالاً	spelling	هجّی، املا	treasure	گنج
pronunciation	تلفظ	spend	گذرانیدن، خرج کردن	try	سعی کردن، امتحان کردن
provide sb with sth	برای کسی چیزی را فراهم کردن	sports	ورزش	type	نوع، گونه
publish	منتشر کردن	stand for	جای چیزی بودن، نمایندگی کردن	unchangeable	غیر قابل تغییر
purpose	هدف، مقصود	station	ایستگاه	unexpectedly	به طور غیر منتظره ای
question mark	علامت سوال	stick	چسبیدن	unknown	ناشناخته
quit	رها کردن، دست کشیدن	still	هنوز	useful	مفید
quite	کاملاً، نسبتاً	style	سبک، شیوه	user	کاربر
read sb's mind	ذهن کسی را خواندن	successful	موفق	valuable	ارزشمند
recognize	تشخیص دادن	suddenly	ناگهان	vibration	ارتعاش، لرزش
recommend	توصیه کردن	suffer from	رنج بردن از	volume	حجم، جلد
reference book	کتاب مرجع	suffix	پسوند	waterway	آبراه
relate to	مرتبط بودن با	suggest	پیشنهاد کردن	weather	آب و هوا
relationship	ارتباط	suitable	مناسب	web browser	مرورگر شبکه
relative clause	عبارت موصولی	superhuman	فرا بشری	whatever	هر چه
report	گزارش، گزارش کردن	support	پشتیبانی کردن	whenever	هر وقت
reproduce	تولید مثل کردن	suppose	گمان کردن	whereas	اما، در صورتی که
republic	جمهوری	sweet	شیرین، شیرینی	wherever	هر جا
resource	منبع	symbol	نماد، سمبل	while	اما، در صورتی که
scale	مقیاس، اندازه	take note	یادداشت کردن	widely	به طور گسترده ای
scavenger	لاشخور	technical	فنی	wing	بال
search for	جستجو کردن	technical	فنی	wingless	بدون بال
section	قسمت، بخش	technique	فن، روش	wisely	عاقلانه
several times	چندین بار	term	واژه، اصطلاح	wish	آرزو، خواستن
shape	شکل، شکل دادن	the same	همان، یکسان	wonder	از خود پرسیدن
shark	کوسه	therefore	بنابر این	work out	تمرین کردن، موثر بودن
		through	از راه، از طریق		